

## مرگ تقی‌زاده نه کاری است خرد\*

ایرج افشار

سید حسن تقی‌زاده روز هشتم بهمن ۱۳۴۸ درگذشت. مرگی آرام از پس زندگی درخشان و بلند آن جوهر دانایی و مرد جنبش و شور را خاموش ساخت. تقی‌زاده در دوران نود و سه سال حیات، بیش از هفتاد سال در مبارزه و کوشش و کار بود. آرامی حیات و روشنی عمر، برای او گرم شدن در کار و به‌کار گرفتن اندیشه خود بود.

تاریخ زندگی او پر است از حادثه و کارهای مهم، و طبعاً نوشتن سرگذشت او دشوار. موقعی که گرد و غبار اغراض فرو نشیند و اسناد و مدارک مربوط به فعالیت‌های او از گوشه و کنار به‌در آید چنین کاری خواهد شد و چهره راستین تقی‌زاده بر سطور کتابها نقش خواهد بست.

زندگی تقی‌زاده را در سه دفتر باید نوشت. یکی دفتر «سیاست» که زندگی او از آن نام گرفت و همه وقایع آن مهم و مرتبط با حادثه‌های تاریخی مملکت است. تقی‌زاده اگر طلبه مانده بود مردی بود به لباس و شهرت پدرش یا برادرش. پیشنهادی شده بود در محله‌ای از تبریز و تأثیری بارز در اجتماع نکرده بود.

---

\* راهنمای کتاب، جلد سیزدهم، صص ۱۵۴ تا ۱۶۶.

امروز کسی او را نمی‌شناخت و در صفحات تاریخ ایران نامی از او نبود. گوشه دیگر زندگی تقی‌زاده را در دفتر «صفت و شخصیت» باید جست. این دفتر بسیار خواندنی و نکته‌آموز است. هر مرد سیاسی، به اخلاق و شخصیت پای‌بندی ندارد. اما تقی‌زاده داشت. او سازنده اخلاق و شخصیت دیگران هم بود. دفتر سوم به حیات فرهنگی و علمی او اختصاص دارد. این دفتر درخشان و جهانی و پایدار است و ارباب غرض هم نمی‌توانند آن را نادیده انگارند.

### دفتر صفت و طبیعت

تقی‌زاده به اشخاص صاحب صفت و حیثیت (کاراکتر) معتقد بود و به‌کرات در مقالات اجتماعی و سیاسی به این نکته اشاره کرده است. خود از افرادی بود که مصداق کامل این سخنان قرار می‌گرفت. صفاتی ممتاز که تقی‌زاده داشت و او را مردی صاحب صفت و حیثیت ساخته بود در این عبارات می‌توان خلاصه کرد:

تقی‌زاده واجد نیروی انصاف بود. این صفت ممتاز ناشی از آن بود که تقی‌زاده با صبر و حوصله و آرامی سخنان هرکسی را می‌شنید و اعمال نیک و بد را از هم متمایز می‌ساخت. همواره می‌گفت که برای شناخت اشخاص باید به سیئات و حسنات جدا جدا رسیدگی کرد. او دیر قضاوت می‌کرد. در داوری از حب و بغض و عجله پرهیز داشت. سخنانی که در قضاوت می‌گفت به الفاظ سنجیده و بر مبنای انصاف کامل بود. برای هر کاری به «ضابطه» و «میزان» معتقد بود.

تقی‌زاده هیچ‌گاه با معاندان و مخالفان خود مجادله و مباحثه نمی‌کرد. هرچه در حق او بد می‌گفتند می‌شنید و چون صاحب اعصاب بسیار قوی بود

اصلاً به روی خود نمی‌آورد. یکی دو بار که جوابی گفت از باب آن بود که حقایق تاریخی در پرده تاریکی نماند. ورنه هیچ‌گاه قصد احتجاج در او نبود. تقی‌زاده در مبارزه جسور و دنبال‌کن و جوانمرد بود. اما معتقد بود که باید اوضاع و احوال را شناخت و نیروی هم‌اورد را سنجید و از صرف بیهوده نیرو و وقت اجتناب کرد.

تقی‌زاده به مالیه عمومی بسیار احترام می‌گذاشت و نمی‌پسندید که آن را در کارهای غیرلازم و غیرفوری صرف کنند. به همین ملاحظه موقعی که رئیس مجلس سنا بود اعتقاد داشت که ساختن بنای مستقل برای آن لازم نیست. نیت و نظری که در همین زمینه دوره وزارت مالیه خود داشت زبانزد همه کسانی است که با او کار کرده‌اند.

تقی‌زاده از اعتراف کردن به اشتباه و سهو مطلقاً خودداری نداشت. پنهان کردن اشتباه را گناه می‌دانست. طفره رفتن کار او نبود. اعتراف کردن در مورد نفت تا آنجا که خود را «آلت فعل» شمرد و از شهادتهای اخلاقی و صفت مخصوص به او بود. هیچ اهل سیاستی در ایران بدین پاکی و صداقت به اعتراف نپرداخته. یک مورد هم «استغفار» کرد، و آن در مورد تبدیل خط فارسی به خط لاتینی است که خود وقتی برای ترقی ایران گفته بود خط فارسی را باید به خط لاتینی تبدیل کرد.

تقی‌زاده از تملق گفتن و تملق شنیدن ناراحت می‌شد. از تشریفات تصنعی و خودنمایی مصرأ پرهیز داشت. نمی‌پسندید که با او رفتاری شود که غیرعادی است. وقتی والی خراسان شده بود اعضای اداره حکومتی به مرسوم و عرف والیان قبل می‌خواستند که به هنگام راه رفتن والی در خیابان به دنبال او راه

بیفتند و مردم را از اطراف برانند. تقی‌زاده چون این سنت را نادرست می‌دانست دستور می‌دهد که کسی با او حرکت نکند.

تقی‌زاده حافظه بسیار وسیع و قوی داشت و تا آخرین ماههای زندگی این موهبت بزرگ را از دست نداد. همه وقایع قدیم را با جزئیات تمام به خاطر داشت و هر بار که واقعه‌ای را حکایت می‌کرد درست به‌مانند همان بود که چند سالی پیشتر گفته بود. حتی کلمات و اصطلاحات عوض نمی‌شد. از این باب تا حد زیادی مرهون صفت راستگویی خود بود.

تقی‌زاده با دوستان قدیم خود بسیار وفادار و صمیمی بود و هریک که فوت می‌شدند بسیار متأثر و غمناک می‌شد: حکیم‌الملک، مستشارالدوله، اسمعیل امیرخیزی، محمدمین رسول‌زاده، محمد نخجوانی، محمد قزوینی، محمدعلی فروغی، حسین علاء، ابراهیم پورداود، حسین نقوی، دکتر سید فخرالدین شادمان، ولادیمیر مینورسکی، والتر هنینگ. به‌طور مثال می‌توان گفت که در مجلس تعزیت مرحوم صادق مستشارالدوله با گفتاری محزون این بیت خاقانی را خواند:

همی گفتم که خاقانی دریغاگوی من گردد

دریغا من شدم آخر دریغاگوی خاقانی

تقی‌زاده از بد گفتن و دشنام‌گویی کلاً اجتناب می‌ورزید. اصلاً چنین خصلتی در جانش نبود. به معاندین و مخالفان خود نیز بد نمی‌گفت. نمونه آن مقاله بادقتی است که درباره مرحوم دهنخدا نوشت و یا جوابهایی که تلویحاً یا جسته گریخته به مرحوم سید احمد کسروی ضمن خطابه مشهور خود درباره مشروطیت بیان کرد.

تقی‌زاده مردی بود حق‌شناس. از هرکس خوبی و حسن عملی دیده بود

مکرر یاد می‌کرد. از هرگونه کوششی خودداری نداشت تا مشکل دوستان یا اشخاص مفید را از میان بردارد. این موارد بسیار است. هر آشنای او مواردی چند را می‌داند و نام بردن لزومی ندارد.

تقی‌زاده به خاطرات دوره انقلاب مشروطیت و دوره جهاد برلین بیش از دوره‌های دیگر زندگی پای‌بندی داشت. هر وقت از گذشته یادی بر زبان می‌آورد از آن دوره‌ها بود که جوانی و نیروی شوق خود را بر سر آن گذاشته بود. کمتر از والی‌گری خراسان و وزارت مالیه و طرق و سفارت پاریس و لندن صحبت می‌کرد. گویی که این دوره‌ها برای او عادی سپری شده بود. در این خدمات شور و جنبش و حیات واقعی نمی‌دید.

تقی‌زاده چون زبانش گرم می‌شد و مستمع علاقه‌مند می‌یافت حکایت‌های شنیدنی از تبریز و تهران در وقت مشروطه می‌گفت. بالاخره قصه را به فعالیت دلیرانه برلین می‌رسانید. هیچ‌گاه از یاد یاران خود قزوینی و جمال‌زاده و پورداود و تربیت و کاظم‌زاده و نواب و دیگران غافل نمی‌ماند. اصرار داشت که یاد آنها از یادش نرود.

تقی‌زاده در نقل مطالب خود و سرگذشت خود رشته سخن را از یک مطلب به مطلب‌های دیگر نیز می‌کشانید. اما هیچ‌گاه فراموشش نمی‌شد که از کجا شروع کرده است و چه می‌گفته است و برای چه مقصود آغاز سخن کرده بوده است. شنونده حس شنیدن یک مبحث توفیق آن می‌یافت که چند مطلب دیگر را به‌طور ضمنی بشنود.

تقی‌زاده به رفاه و آسایش افراد محروم و زحمتکش مخصوصاً طبقه دهقان علاقه مفرط داشت. در این مورد تا حد زیادی از افکار و نوشته‌های تولستوی

الهام گرفته بود. در مقدمه‌ای که بر کتاب *خاک و آدم* جمال‌زاده نوشته مکنونات قلبی و اصول عقایدش مضبوط است.

تقی‌زاده تیزهوش بود. به یک نظر اشخاص را سبک و سنگین می‌کرد. خوب می‌دانست که مقصود هرکس از هر سخن چیست. او دیر به اشخاص علاقمند می‌شد و به سختی افراد را می‌پسندید.

تقی‌زاده با اینکه مقامهای مهم و طول عمر یافت معاشران و دوستان بسیار زیاد نداشت. عده‌ای پیش از او رفته بودند و جمعی معدود از او یاد می‌کردند. میان اوراقش ورقه‌ای دیدم که مربوط به سال ۱۳۳۳ شمسی است و آن مرحوم به خط نسبتاً درشت بر آن نوشته است:

پر در مقام تجربت دوستان مباش

صائب غریب و بی‌کس و بی‌یار می‌شوی!

معلوم است که از سختگیری خود بیم تنها ماندن را داشته و بیدارباش صائب را برای یادآوری خود یادداشت کرده بوده است.

تقی‌زاده مدیر و سازنده و مبتکر بود. نشر *مجله گنجینه فنون* با همکاری تربیت و اعتصام‌الملک در تبریز هفتاد سال قبل، ایجاد *مجله سیاسی و تحقیقی* کاوه و حوزه ادبی آن، پایه‌گذاری انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی، مجاهده برای جمع‌آوری لهجه‌های ایرانی. و ایجاد *اطلس لهجه‌شناسی ایرانی*، هماواری در تأسیس انجمن آثار ملی و مشارکت در جلسات آن تا آخرین ماه زندگی، تشکیل کتابخانه سفارت ایران در لندن و کتابخانه بسیار اساسی مجلس سنا که آن را با هدف و مقصود عالی در زمینه ایرانشناسی پایه‌گذاری کرد، عضویت کمیسیون معارف به منظور نشر کتب مفید، همکاری در تأسیس کتابخانه مجلس شورای

ملی، مشورت در امور بنگاه ترجمه و نشر کتاب، مساعدت در نشر کتیبه‌های ایرانی، نظارت بسیار دقیق بر شرکت چاپ افست نمونه‌هایی است از حس ابتکار و نیروی سازندگی و ذوق علمی و فرهنگی او.

تقی‌زاده در زندگی شخصی کاملاً معتدل و به‌کلی مخالف افراط در خرج کردن خارج از میزان بود. اگر عایدی بی‌حساب داشت باز به احتیاط و مطابق احتیاج عمل می‌کرد. در امور مالی مملکتی هم همین رویه را می‌پسندید. کارهایی که در دوره وزارت مالیه برای تعدیل بودجه و حفظ خزانه کرد همه از این روحیه سرچشمه می‌گرفت.

تقی‌زاده بسیار امین و درست‌کردار بود. پدرم حکایت می‌کرد که موقع جنگ جهانی اول که اعتبارات بی‌حساب از طرف آلمانها در اختیار شخص تقی‌زاده بود و بدون هیچ‌گونه محاسبه و پرسشی می‌توانست به هر مصرفی که بخواهد برساند او به هیچ‌وجه راضی نمی‌شد که چیزی از آن را زائد بر آنکه به مصرف دیگران می‌رسید خود بردارد. مثال بارزش این بود که در زمستان سخت برلین با کفشی که رویه‌اش شکسته و شکاف خورده بود و وصله شده راه می‌رفت.

تقی‌زاده به آثار ملی بسیار علاقمند بود و حفظ آنها را واجب می‌شمرد. اما ساختن آثار جدید را درست نمی‌دانست. از خروج آثار قدیم هم متأثر نمی‌شد. معتقد بود که آثار ایرانی هرکجا باشد به نام ایرانی خواهد بود و باعث آبرومندی و افتخار.

تقی‌زاده ماندن فضلالی ایرانی را در خارج نمی‌پسندید. وقتی که عباس زریاب خویی به لطف خود او به آلمان رفت چون چند سالی ماند دایم می‌گفت

که باید آقای خویی را به ایران آورد و از او استفاده کرد. در مورد احسان یارشاطر هم همین عقیده را اظهار می‌کرد.

تقی‌زاده به هر نوع خرج صحیح برای مصارف علمی و ادبی معتقد بود. هروقت که مشکلی در کار نشر کتابی یا رفاه حال دانشمندی پیش می‌آمد می‌گفت اگر اختیار با من بود از صد هزار تومان خرج ابا نداشتم. افسوس که کار با اشخاصی است که «سرشان توی حساب نیست!»

... و بالاخره تقی‌زاده آزاده‌ای بود آزاداندیش. طالب حقیقی آزادی و آزادی برای همه. در این زمینه سخنهای دلسوزانه بسیار گفت و مقاله‌های تند و محکم بسیار نوشت. از کسانی است که در تاریخ آزادی فکر ایران نامش درخشان و آثارش پایدار خواهد ماند.

#### دفتر فرهنگی و علمی

تقی‌زاده مایه علمی ممتاز داشت. اعتدال فکر، قدرت استنباط، فهم صحیح، سابقه طلبگی، اتخاذ روش علمی مستشرقان، تتبع و مطالعه وسیع او را دانشمندی برگزیده ساخت و موجب شد که نوشته‌های علمی او استوار و محققانه باشد.

تقی‌زاده دارای روح علمی قوی و ذهن منظم و منطقی بود، و با این دو موهبت گرانقدر «روش» (متد) صحیح را جمع داشت. نتیجه آثاری که در زمینه‌های تحقیقی و علمی و نیز در مباحث اجتماعی و فکری نشر کرد همه فایده‌بخش و ماندگار است.

تقی‌زاده آنچه در مباحث علمی می‌نوشت، به مرور ایام آنها را با تعلیقات و تکمله و استدراکات و اضافات و الحاقات تصحیح و تکمیل می‌کرد. نمونه کامل چاپ اول گاه‌شماری در ایران اوست. «از پرویز تا چنگیز» را منقح و مفصل



ساخت و به دست احمد افشار شیرازی (که در طبع «مانی و دین او» با او کار کرده بود) سپرد و امید است پس از چند سال که زیر چاپ مانده است در دسترس قرار گیرد. برای «گاه‌شماری» یادداشتهایی بسیار مفصل و اساسی در طول سی سال فراهم ساخته بود که قسمتی را در حاشیه نسخه خود وارد کرده و قسمتهای بیشتر به صورت ورقه و یادداشت مجزا هم‌اکنون در دست است و باید تنظیم و طبع شود.

تقی‌زاده نثر را به طرز مخصوص و خاص خود می‌نوشت. مطلقاً تحت تأثیر نوشته‌های قدیم یا عصر خود نبود. از تعقید و تطویل نمی‌هراسید. نثر او ساخته شده از مایه آخوندی، پیچیدگی سیاست، استحکام علم و قدرت تحقیق بود. جملاتش مطول و معقد بود. چون مطلب و موضوع را فدای لفظ و عبارت نمی‌کرد اغلب تعبیرات و اصطلاحات و کلمات نامأنوس مورد استعمال او، خاص خود اوست. با این همه بیانش کاملاً رسا و مطلبش محکم بود.

تقی‌زاده در نوشتن، مطالب خود را با مثالها و شاهدهای زیادی می‌آمیخت و در انتخاب کلمات ضابطه و میزان خاص خود داشت. برای هر مورد و منظور کلمات را می‌سنجید و هر کلمه در معنایی که به‌طور صریح و قاطع مورد اراده‌اش بود استعمال می‌کرد.

تقی‌زاده از مروّجان ایران‌شناسی در ایران و از حامیان ایران‌شناسان خارجی است: مانند مینورسکی، ولف، هنینگ، گرشویچ، کیدی، مورگنشینزنه و دیگران. با اغلب بزرگان این طبقه دوست بود، چون براون، مارکوات، نلدکه، میتوخ، مینورسکی، زکی و لیدی طوعان، هنینگ، مورگنشینزنه و عدّه کثیر دیگر، همه به او احترام می‌گذازدند. نشانه آن مجموعه مقالاتی است که به مناسبت هشتاد

سالگی او به نام «ران ملخ» چاپ و به او اهدا گردید.

علاقه تقی زاده به این رشته موجب شد که در چند کنگره شرق شناسی شرکت کرد و خود ریاست کنگره ایران شناسی تهران را پذیرفت.

تقی زاده در چند جا تدریس کرد: دانشگاه لندن، دانشگاه کیمبریج، دانشگاه کلمبیا، دانشگاه تهران. در تدریس سختگیر بود. هر درس که می گفت از سر میل می گفت و آنچه می دانست می گفت. کار را سست نمی گرفت. نمی خواست که طالب علم باری به هر جهت باشد.

تقی زاده یادداشتهای موادی را که در دانشگاه درس می گفت و عبارت است از تاریخ علوم اسلامی و تاریخ ادیان ملل قدیم به تدریج تحریر کرده و قسمتی از تاریخ علوم اسلامی را هم به چاپ رسانیده بود، اما هیچ یک به مرحله انتشار نرسید. البته این هردو اثر شایسته است که به چاپ برسد.

تقی زاده خطابه هایی در تاریخ عرب در اوایل ظهور اسلام خواند که بعداً به صورت سه جزوه انتشار یافت. این نوشته ها را تفصیل داده و مفیدتر ساخته و بهترین نوشته فارسی در موضوع مورد سخن است.

تقی زاده به فعالیتهای ادبی و فرهنگی غیر تبلیغی بسیار علاقه مند بود. پس از ایجاد بنگاه ترجمه و نشر کتاب خدمات بسیار از حیث انتخاب کتاب و مشورت علمی به آن کرد. در تشکیل جلسه تقدیر از خدمات حبیب یغمایی به مناسبت بیستمین سال تأسیس مجله یغما از صمیم قلب مقدم و دعوت کننده شد. با حال زار و تن ناتوان بر گردونه نشست و به مجلسی آمد که عده ای از ادبا و فضایی تهران بودند. به این نوع کارها آسان تن می داد.

تقی زاده به تنظیم و تدوین فرهنگ لغات فارسی ضمن ریشه شناسی آنها و

تطبیق کلمات دری با زبانهای قدیم ایرانی بسیار معتقد بود و آن را لازم می‌دانست. پس اهتمام بلیغی مصروف داشت که هنینگ استاد مشهور زبانهای ایرانی را به تألیف چنین اثری برانگیخت تا مراجع ایرانی آن را به چاپ برسانند. این کار آغاز شد اما سرانجام نیافت. مرحوم تقی‌زاده همیشه از این واقعه متأسف بود. مخصوصاً موقعی که هنینگ مرد گفت که دیگر سالها می‌گذرد و کسی که شایستگی چنین کاری داشته باشد نخواهد آمد.

تقی‌زاده آثار هنینگ را بسیار ارزنده می‌دانست و به نوشته‌های او به دیده‌ی توجه و اعتنای کامل می‌نگریست. وقتی که پیشنهاد چاپ فرهنگ زبان خوارزمی او توسط احسان یارشاطر به دانشگاه تهران رسید و مطلب و مشکلات آن با تقی‌زاده در میان گذاشته شد آن مرحوم با نهایت علاقه و مجاهدت مخصوص توانست که شورای جشنهای شاهنشاهی را به تعهد پرداخت مخارج آن موافق سازد. اما هنینگ درگذشت و این اثر بارزش نیز چاپ‌ناشده ماند. اکنون نویدی رسیده است که قسمتی از این اثر آماده است و توسط دانشگاه تهران در لندن به طبع خواهد رسید.

تقی‌زاده درباره‌ی ترجمه‌ی دائرةالمعارف اسلامی هم نقشه‌ای ریخت و بیست سال قبل با گروهی از دانشمندان (عباس اقبال، سعید نفیسی، غلامحسین صدیقی، عباس زریاب خویی، موسی عمید و دیگران) بدین کار پرداخت. قسمتهایی از مقالات چاپ اول به ترجمه درآمد. اما حوادث و مشکلات رشته را گسلانید و ترجمه‌ها به وزارت فرهنگ سپرده شد.

تقی‌زاده درباره‌ی دانشمندان از اعمال هر نوع مساعدت ممکن دریغ نداشت. مرحوم قزوینی خانه نداشت. تقی‌زاده بود که قد علم کرد و با مساعدت دوستان

خانه‌ای برای او خرید. پس از فوت قزوینی به شرایط وصایت عمل کرد و آنقدر کوشید تا چاپ «یادداشت‌های قزوینی» مورد قبول دانشگاه واقع شد. در برقراری مستمری جهت دختر و زن او اهتمام بلیغ کرد. شاید یکی دو سه نفر می‌دانند که همین سال گذشته هم از [نخست‌وزیر] ضمن نامه‌ای خواست که از امکانات موجود استفاده شود و پس از بیست سال مبلغی بر مستمری ورثه قزوینی اضافه شود تا بازماندگان دوست دانشمندش زندگی بسیار سختی نداشته باشند.

تقی‌زاده در بالیدن و پیشرفت علمی عده زیادی از نخبه فضلالی ایران مؤثر بود. احسان یارشاطر، عباس زریاب خویی، عبدالحسین زرین‌کوب، کاووس جهاننداری مورد لطف بسیار او بودند. در طبقه پیش عباس اقبال آشتیانی، مجتبی مینوی، سید فخرالدین شادمان از عنایات او برخوردار یافتند. البته به دوستان فاضل خود نیز همواره اختصاص نظر و بذل توجه داشت: مانند سید عبدالرحیم خلخالی، ابراهیم پورداود، محمدعلی تربیت ... به نظر من تقی‌زاده دوستان ادبی خود را بیش از همکاران و یاران سیاسی مورد حمایت و عنایت قرار داده است.

تقی‌زاده وقتی به عالمی مستعد برمی‌خورد و به قول خودش او را کشف می‌کرد بسیار شادمان می‌شد. وجود این نوع افراد را برای مملکت «گنجی بی‌مانند» می‌دانست. مثال اخیر و بارز آن انتقال سید محمد فرزانه از خراسان به تهران است. تقی‌زاده می‌فرمود که من اسم فرزانه را نشنیده بودم. یکبار در جلسه شورای عالی فرهنگ مذاکره از عیب و نقص کتب مدرسه‌ای بود. من پیشنهاد کردم خوب است که نظر انتقادی معلمان باتجربه و فاضل خواسته شود. وقتی انتقادهای رسید در میان همه آنها یک مطلب اساسی و منقح و مبتنی بر علم و تبحر دیدم و آن شرحی بود که به امضای سید محمد فرزانه بود. بعد از آن وزارت

فرهنگ را معتقد به آن کردم که فرزاد را به تهران بیاورند. نیز توصیه و تأکید کردم که در دانشگاه به او درس بدهند.

تقی‌زاده کتابشناس بود. مهمترین آثار غربی راجع به ایران و کتب مهم قدیمی عربی و فارسی را می‌شناخت و اکثر آنها را بررسی و مورد تحقیق قرار داده بود. او به این رشته علاقه داشت. خود در زمان مجله کاوه با همکاری یکی از دانشمندان آلمانی جزوه‌ای حاوی اسامی کتب مهم اروپایی درباره ایران به نام *Persische Bibliographie* در برلین انتشار داده بود. دنباله این کار را نیز رها نکرده بود و هر جا و هر وقت اسم کتابی درباره ایران می‌دید یادداشت می‌کرد و به کتابخانه‌ها سفارش می‌کرد که آن را تهیه کند. او جعبه‌ای از فهرستهایی که خود تهیه کرده بود در این سالهای اخیر به من سپرد. البته اثری کهنه شده است، اما هر ورقش یادگاری است از شوق و ذوق او. یحیی ماهیار نوابی می‌گفت که تقی‌زاده در زمان تدریس در کلمبیا او را در کار کتابشناسی ترغیب و کمک می‌کرده. نمونه دیگر از این علاقه اشتیاق بسیار شدیدی بود که پس از اطلاع از کار خانابا مشار به دیدن فهرست ایشان نشان داد. عصر گرم تابستانی به باغ مشار در «پل رومی» آمد و تمجیدها و تشویقها کرد و به نام انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب را بر آن داشت که فهرست مشار را چاپ کند، و شد.

تقی‌زاده گردآوری زبانها و لهجه‌های ایرانی را بسیار واجب می‌دانست و در این راه کوششهای بسیار کرد. مقدمه‌ای که بر کتاب «نزانی» مرحوم سعید کردستانی نوشته است (حدود چهل سال قبل) نشانی است از آشنایی دیرین او با لهجه‌های ایرانی و علاقه کامل او به آنها، در این سالهای اخیر نسبت به تنظیم اطلس زبانشناسی ایران توسط یارشاطر و ژرژ دار، رفتن گرشویچ استاد متخصص

زبانهای ایرانی بشاگرد، تشکیل گروه لهجه‌شناسی مساعدتهای بی‌شائبه کرد. همچنین درمورد تدوین و نشر کتیبه‌های ایرانی توسط گروهی از ایرانشناسان کوششهای بارور کرد تا این مجموعه با عطیه شاهانه و مساعدتهای بین‌المللی آغاز شد. نفوذ کلام تقی‌زاده در این باب تا آنجا بود که مرحوم مخبرالسلطنه مهدیقلی هدایت هم مبلغی به این انجمن هدیه کرد.

تقی‌زاده به زبان فارسی تعلق خاطر خاص داشت و به آن به مانند یک عامل سیاسی و یک جزء اصلی از خاک ایران و عنصر واقعی ملیت ایرانی می‌نگریست. حفظ آن را از تطاول و گزند روزگار لازم می‌دانست. خود مجاهده زیاد در این باب کرد. چهار بار به تناوب به این مطلب پرداخت که زبان فارسی را باید از آلودگی و آشفستگی برکنار نگاه داشت. یک بار در جنگ بین‌الملل اول در مجله کاوه بود که زبان فارسی و زبان خان‌والده را روبرو قرار داد، یک بار به هنگام تشکیل فرهنگستان بود که رساله «جنبش ملی ادبی» را نوشت و خطر لغت‌سازی را متذکر شد، یک بار پس از جنگ جهانی دوم و هجوم لغات خارجی بود. آخرین بار پنج شش سال پیش به سبب مشاهده بی‌توجهی عموم به فرا گرفتن زبان فارسی در قبال آموختن زبان خارجی بود که خطرات فرهنگی ناشی از این امر را به نحو بسیار روشنی یادآور شد و بحثهای زیادی را به میان آورد.

تقی‌زاده در کارهای علمی و تحقیقی از پراکندگی پرهیز داشت. کار مهمی را که متوالیاً دنبال کرد موضوع گاه‌شماری ایرانیان است. در این زمینه فرد اول و شاخص بود و نوشته‌هایش مورد استناد علمای دیگر. زمینه‌های دیگری که او بدانها پرداخت و اثرش تحقیقی و مورد رسیدگی دانشمندان قرار گرفت تحقیق

در احوال و افکار مانی، فردوسی، ناصر خسرو است. هریک از آثار او در این زمینه‌ها مبتنی بر اصالت و عمق تحقیق است. تقی‌زاده درباره‌ی اسماعیلیه نیز کار کرده بود و یادداشتهای خود را به محمد معین واگذار کرد. اما به چاپ نرسیده است. هیچ عیب نیست که تقی‌زاده از میان همه‌ی برجستگان ایرانی مانی، فردوسی، ناصر خسرو و اسماعیلیه ایران را برگزیده بود. حتماً آنها را در تاریخ تحول فکر و تکوین ملت ایران بی‌اثر نمی‌دانسته است.

### دفتر سیاست و اجتماع

تقی‌زاده در سیاست ایران یکی از مردان بسیار مؤثر بوده است. هم در فکر و عقیده‌ی سیاسی و هم در امور و اعمال سیاسی.

تقی‌زاده در فکر و عقیده‌ی سیاسی از برجستگانی بود که بدون تردید نامش در زمره‌ی متفکرین ایران قرن اخیر ضبط می‌شود. عقایدی که در زمینه‌ی آزادی، قوای ملی و مملکتی، تعلیم عمومی تمدن خارجی، امور مدنی و اجتماعی به شکل رساله و خطابه و مقاله بیان کرده است همه خواندنی و مسائل مذکور در آنها قابل توجه و تعمق همیشگی است. مانند رساله‌های تحقیق در احوال کنونی ایران، توجه بیشتر به ولایات، مقدمه‌ی تعلیم عمومی، آینده‌ی روشن، لزوم حفظ زبان فصیح فارسی، جنبش ملی ادبی، اخذ تمدن خارجی و چند ده نوشته‌ی دیگر.

انتقادهایی که نسبت به تقی‌زاده در امور سیاسی شده عبارت است از پناهنده شدن به سفارت انگلیس، عقد قرارداد نفت در سال ۱۹۳۳ ... اما کسانی می‌توانند اعمال سیاسی و روش کار او را در سیاست بسنجند که از هر نوع غرض‌عاری باشند، کسانی می‌توانند فعالیت‌های او را در زمینه‌ی سیاست بازگو کنند که با آن مرحوم در معبرهای سیاسی همگامی داشته‌اند، و بالاخره کسانی

می‌توانند اندیشه‌های سیاسی و فکری او را درست بنمایانند که آثار او را در این زمینه‌ها به دقت خواننده و در مسلک و تفکر با او همراه بوده‌اند.  
به هر حال، مرگ تقی‌زاده نه کاری است خرد ...